یادداشت روز

حقوق مدنی کشمیر را پایمال نکنید!

۴۶ روز از آغاز درگیری‌های پلیس هند و مسلمانان کشمیری می‌گذرد. تداوم حرکت اعتراضی مردم- که با سکوت مجامع بین‌المللی و اسلامی توأم بوده است- نشان می‌دهد مسئله بین مردم این سامان و حکومت عمیق‌تر از آن است که با تعبیر درگیری پلیس و مردم قابل بیان باشد. آنچه مسلمانان در این سامان می‌خواهند از یک حداقلی شروع و به حداکثری ختم می‌شود. حداقل خواسته مردم این است که پلیس و دولت ضرب و شتم و فشار را از روی زندگی مردم بردارد و به آنان به چشم «شهروند» صاحب حقوق نگاه کنند. شاید پلیس و دولت هند با این گمانه که تن دادن به خواسته حداقلی کشمیری‌ها تن دادن به جدایی کشمیر از هند را در پی خواهد داشت، از دامنه شدت حملات به مسلمانان نکاسته است. در عین حال بعید است دولت هند نداند که شرایط محیطی مسلمانان در شبه قاره به گونه‌ای است که فشار بر یک نقطه آن واکنش بقیه نقاط را در پی می‌آورد. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱- نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت حدود ۱۲ میلیون نفری ایالت پهناور- ۱۰۱۴۳۷ کیلومتر مربعی- جامو و کشمیر مسلمان هستند و گفته می‌شود ۱۰ تا ۱۵ درصد این جمعیت را شیعیان جعفری تشکیل می‌دهند. عمده شیعیان در منطقه وسیع موسوم به «دره کشمیر» مستقر می‌باشند. در عین حال شیعیان در مناطق حسن‌آباد و زری‌بال از توابع سرینگر- مرکز تابستانی ایالت- کارگیل حدود ۱۵۰ هزار شیعه را در خود جای داده است و علاوه بر این حدود ۲۰ هزار شیعه در منطقه پونچ جامو سکونت دارند بنابراین شیعیان در این ایالت تا حدود زیادی به طور متمرکز زندگی می‌نمایند.

اهل سنت این ایالت که نزدیک به نیمی از ساکنان آن را به خود اختصاص می‌دهند، پیرو فقه ابوحنیفه و متصوفه به حساب آمده و از نظر مشرب کلامی «ماتریدی» به حساب می‌آیند. ماتریدی‌ها در واقع مابین اشاعره- اخباری‌ها- و معتزله- عقلیون- به حساب آمده‌اند. بر همین اساس هم مشرب فقهی و کلامی اهل سنت کشمیر بسیار به شیعه نزدیک می‌باشد. به همین دلیل شیعیان بدون هیچ نگرانی در احزاب و تشکل‌های سنی نظیر «حزب المجاهدین» عضو می‌شوند.

بعضی از تحلیلگران ایرانی با اشاره به روابط حزب‌المجاهدین با رهبران جماعت اسلامی پاکستان نتیجه گرفته‌اند که پس حزب‌المجاهدین از جنس افراطی‌ها و تندروهاست. این در حالی است که این گروه از- ۱۳۷۰ش- زمان تاسیسش توسط «حافظ سعید» هیچ‌گاه با شیعیان درگیر نشده است. جالب این است که رهبران این حزب از دیرباز وقتی جلسات خود را شروع می‌کنند در ابتدا عباراتی از حضرت امام خمینی-س- را می‌خوانند و آن را راهنمای خود معرفی می‌کنند.

۲- فقط حدود ۵ درصد از جمعیت این ایالت را هندوها تشکیل می‌دهند که در آنجا «پاندیت» خوانده شده و «جواهر لعل نهرو» اولین نخست‌وزیر هند پس از استقلال اهل همین ایالت و یکی از «پاندیت»ها به حساب می‌آید. نواری در دست است که نهرو در سال ۱۹۶۲- ۱۳۴۱ش- تاکید می‌کند که بایست «جامو و کشمیر» همه‌پرسی برگزار شود و سرنوشت این منطقه توسط مردم تعیین شود. اما از تاریخ استقلال هند در سال ۱۹۴۷ این خواسته به طور پی‌درپی توسط دولت‌های هند رد شده است، در این میان به نظر می‌آید در میان زمامدارانی که از زمان استقلال هند تاکنون به این سرزمین حکم رانده‌اند، «ناریندرا مودی» نخست‌وزیر فعلی این کشور بدترین رفتار را با مسلمانان داشته است. «مودی» که برآمده از حزب هندویی «بهاراتیا جاناتا» می‌باشد در زمانی که رئیس ایالت گجرات بود، دست‌کم ۵۰۰ نفر مسلمان را از بین برده و به همین دلیل تا مدتی تحت تعقیب قضایی قرار داشت. او در دوره ریاست خود دست اسرائیلی‌ها را در کارخانه‌ها و مزارع ایالت باز کرد. اسرائیلی‌ها با بهره‌گیری از «بیوتکنولوژی» سعی کردند از طریق نشان دادن یک نمونه مرفه بر کل هند سیطره پیدا کنند که علیرغم همکاری ویژه مودی موفق نشدند.

۳- بعضی گمان کرده‌اند که مبارزه کنونی ایالت جامو و کشمیر و مردمی که ابتدا در اعتراض به کشته شدن «برهان وانی» چهره محبوب و مبارز کشمیری‌ها به میدان آمده‌اند برای استقلال و جداسازی کشمیر از هند است در حالی که مردم و رهبران مبارزین کشمیری سخنی در باب جدایی از هند سر نداده‌اند. مردم در این منطقه می‌گویند حقوق اولیه انسانی ما را بپردازید و در برابر این خواسته مدنی ما را نکشید.

در این ایالت علی‌رغم آنکه نزدیک به ۶۰ درصد ساکنان مسلمان هستند اما تقریبا هیچ مسئول محلی اعم از مشاغل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی از میان مسلمانان برگزیده نمی‌شوند و این در حالی است که سیطره مدیران هندویی به شهروندان مسلمان با وارد کردن فشار به مسلمانان برای التزام به قوانین مذهبی هندوها توأم شده است. تقریبا روزی نیست که یک یا چند شهروند مسلمان به جرم خوردن گوشت گاو و یا اهانت به آن مورد ضرب و جرح پلیس قرار نگیرند. مردم در مبارزات خود می‌گویند قانون اساسی هندو را بر مسلمان جاری نکنید.

در عین حال این نکته هم حائز اهمیت است که هندی‌ها در بحث جنبش جدایی‌طلبی فقط با کشمیری‌ها که در نهایت خواهان برگزاری همه‌پرسی تعیین سرنوشت هستند، مواجه نمی‌باشند. پیش از این هند به ناچار تن به جدایی پاکستان داده بود و در بعضی دیگر از ایالات خود با تقاضای جدایی‌طلبی مواجه می‌باشد. از این رو هند گمان می‌کند که روی خوش نشان دادن به کشمیری‌ها سبب فعال شدن گسل‌های بعدی می‌شود و این برای «هند در حال پیشرفت» خوب نیست و سبب کاهش اقتدار آن می‌شود.

۴- رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ در ضمن سفر به هند، یک روز را به دیدار از کشمیر اختصاص دادند. در آن سفر مردم این سامان اعم از سنی و شیعه، استقبال فوق‌العاده‌ای از ایشان به عنوان رئیس‌جمهور نظام اسلامی به عمل آوردند. هنوز هم مردم این سامان هواخواه جدی جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب هستند و رخدادهای مختلف نتوانسته است این گرایش را تضعیف نماید. وقتی حوادث اخیر در کشمیر پیش آمد مردم امیدی به جای دیگری غیر از ایران نداشتند و در واقع از ایران می‌خواستند تا ظرفیت سیاسی خود را پای کار آورده و آنان را در دستیابی به حقوق مدنی‌شان یاری کند.

۵- در ایران دست‌هایی به طور حساب شده، سعی کردند چهره جنبش مدنی کشمیری‌ها را مخدوش نموده و آن را به محافل خارجی- پاکستان و عربستان- نسبت دهند. در این میان یکی- دو روحانی هندی که با سرویس هند کار می‌کنند و یک روحانی کشمیری‌الاصل اما به دلیل ده‌ها سال دوری، بی‌خبر از کشمیر وانمود کردند که این جوانان کشمیری که به خیابان آمده‌اند از یک‌سو افراطی بوده و از طرف دیگر به سرویس‌های سعودی و پاکستان مرتبط هستند.

در این بین متاسفانه این‌طور وانمود شد که این جوانان اعضای حزب‌المجاهدین هستند، حزب‌المجاهدین هم افراطی و شعبه‌ای از لشکر طیبه می‌باشد و لشکر طیبه در کشمیر هم همان لشکر طیبه در پاکستان است. این در حالی است که اساسا همه مبارزینی که در این ۴۶ روز به خیابان آمده و علی‌رغم فشار و اهانت در میدان مانده‌اند، عضو حزب‌المجاهدین نیستند. از سوی دیگر حزب‌المجاهدین یک حزب افراطی نیست و در شورای جهاد آن به رهبری سیدیوسف شاه، از امام خمینی به عنوان برترین الگو یاد می‌شود. این‌ها ارتباط ارگانیکی هم با سپاه صحابه ندارند. این‌ها در منطقه کشمیر حتی با هندوها هم درگیر نشده‌اند چه رسد به اینکه درگیری‌های قومی را به وجود آورده باشند. پیش از این در بحث فلسطینی‌ها هم ما شاهد چنین مباحثی بودیم. دست سرویس‌های خارجی با استفاده از ادبیات افراط‌گرایی، فلسطینی‌ها را افراطی معرفی می‌کردند تا شریان ارتباطی انقلاب ایران- که مهم‌ترین عامل حفظ فلسطین است- با فلسطینی‌ها را قطع نمایند.

۶- سفر هیئت هندی به ایران که بلافاصله پس از شروع درگیری‌های پلیس علیه مسلمانان کشمیر انجام شد و حساسیت ویژه‌ای که این هیئت روی موضع ایران داشت از دو چیز توأمان حکایت می‌کرد؛ تاثیر اعتراضات مدنی کشمیر بر آینده هند و تاثیر مواضع ایران بر مسائل کشمیر و نیز مسائل هند. در عین حال ایران در این میانه سعی کرد در سطح دیپلماتیک، دولت هند را به پذیرش خواسته‌های مدنی مردم کشمیر متقاعد کند و از سوی دیگر نادرست بودن تبدیل موج مدنی به موج امنیتی را به مسلمانان یادآوری کرد.

سعدالله زارعی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آقای سیف! با شفافیت موافقیم اما نه برای دشمنان ایران

سرویس سیاسی -

رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه با روزنامه ایران منتقدان توافق با FATF را کسانی دانسته که از شفافیت نفعی نمی‌برند، در حالیکه در مورد جزئیات این قرارداد تا کنون شفاف‌سازی صورت نگرفته باید به ایشان یادآوری کرد که با شفافیت موافقیم اما نه برای دشمنان ملت ایران.

«اجازه دهید به آنچه که از سه ماه گذشته از تاریخ اجرای برنامه جامع اقدام مشترک روی داده است، نگاه اجمالی داشته باشم: تقریبا هیچ چیزی اتفاق نیافتاده است.» این جملات مربوط به منتقدان برجام نیست، بلکه اینها را تقریبا چهار ماه قبل (اواخر فروردین ۹۵) ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در شورای روابط خارجی سنای آمریکا گفته بود.

یک ماه پس از این سیف در کنفرانس «اتصال مجدد ایران به جامعه مالی جهانی» در لندن باز هم خواستار جدیت طرفهای مقابل در اجرای تعهدات مرتبط با برجام در زمینه امور مالی و بانکی شد و با اعلام اینکه تعهدات آمریکا و اروپا در قبال برجام عملی نشده، گفت: «در چند ماه گذشته شاهد آن بودیم این تعهدات به‌خاطر مشکلاتی که جامعه بانکی با آن مواجه است عملی نشد.» و در ادامه از طرفهای غربی خواست تا به تعهداتشان عمل کنند: «اکنون ما عقیده داریم آنها باید به وعده‌های خود عمل کنند. این تعهد اخلاقی و قانونی غرب است که به آنچه در برجام متعهد شدند پایبند بمانند حتی اگر بدان‌معنا باشد که با بازنگری مقررات، دستورالعمل‌ها و سیاست‌ها به بانک‌ها کمک کنند.» و اما اکنون...

۶هزار السی؟!

ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه‌ای با روزنامه ایران (ارگان دولت) که روز گذشته منتشر شده است گفته: «۶هزار ال سی پس از برجام بازگشایی شد!» در حالی که تا همین چند وقت پیش سیف از بدعهدی غربیها شکایت میکرد و از آنها میخواست تا به تعهداتشان عمل نمایند در مصاحبه دیروز گفته است: «جریمه شدن بانک‌های بزرگ در گذشته نگرانی ویژه‌ای را در جامعه بانکی بین‌المللی ایجاد کرده است، این نگرانی‌ها باید برطرف و دیوارهای فروریخته تحریم با اطمینان و اعتماد بازسازی شود؛ حصول به این وضعیت نیازمند مرور زمان و تعاملات سازنده با جامعه بانکی است.» حال سؤال این است که آیا این دیوارها فرو ریخته که ادعای گشایش ۶هزار ال سی از سوی رئیس بانک مرکزی مطرح می‌شود؟

سیف در ادامه افزوده است: «با این حال تاکنون بیش از ۴۷۰ رابطه کارگزاری بین بانک‌های ایران با بانک‌های دیگر کشورها ایجاد شده و بالغ بر ۶ هزار (اعتبار اسنادی) گشایش یافته است و با تداوم مذاکرات روز به روز شاهد پیشرفت در این حوزه هستیم.» این در حالی است که تا پیش از این عنوان می‌شد تنها بانک‌های کوچکی با ایران همکاری می‌کنند.

مشت چدنی در دستکش مخملی

کارشکنی غربیها و خاصه آمریکا این گونه است که اگرچه در ظاهر و در علن به بانک‌ها گفته شده که مراودات بانکی با ایران مجاز است اما در خفا لابیهای صاحب قدرت و نفوذ در آمریکا همسو با سیاست‌های کلی نظام حاکم در این کشور همچنان بانک‌های جهانی را از مراوده با بانک‌های ایران برحذر می‌دارند.

در همین رابطه روزنامه آلمانی «دویچه ویر تشافت ناخریشتن» کمتر از یک ماه پیش نوشت: «بانک‌های این کشور با مانع‌تراشی‌های آمریکا نمی‌توانند با ایران همکاری اقتصادی داشته باشند.» این روزنامه آلمانی نوشته بود که «آمریکا از همکاری بانک‌های این کشور با ایران جلوگیری می‌کند.»

سایت المانیتور در گزارشی با عنوان «بزرگ‌ترین پیروزی روحانی در آستانه تبدیل‌شدن به دردسر است» نوشت: «بانک‌های اصلی، از جمله بانک جهانی نسبت به پشتیبانی از معامله با ایران مردد هستند. در گفت‌وگویی خصوصی با المانیتور، نمایندگان بانک‌های اروپایی گفته‌اند که ترسی فزاینده از سرمایه‌گذاری در ایران وجود دارد و این امر ممکن است منافع تجاری‌شان در ایالات متحده را به خطر اندازد و سهواً خود را درگیر پیچیدگی‌های مربوط به تحریم‌های اولیه علیه ایران کنند.»

دبه‌های آمریکایی!

البته همه چیز به این گونه رفتار دوگانه آمریکایی ختم نمی‌شود بلکه آنها هر از چندگاهی در مسیر اجرای توافق دبه‌های تازه‌ای را مطرح کرده‌اند. برای نمونه خرداد ماه بود که مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا در نشست استماع کمیته بانکداری مجلس سنا اعلام کرد: «ایران برای برخورداری از منافع اقتصادی اجرای توافق هسته‌ای باید آزمایش‌های موشکی خود را متوقف کند.»

«استفان مول» هماهنگ‌کننده آمریکایی اجرای برجام در نشست استماع بامداد پنجشنبه در کمیته بانکداری مجلس سنا، مطرح کرد در صورتی که ایران می‌خواهد از منافع اقتصادی رفع تحریم‌ها بهره‌مند شود، باید آزمایش‌های موشکی خود را متوقف کند.

وی، ابتدا به چالش‌های پیش روی شرکت‌ها برای از سرگیری مبادلات با ایران که در ماه‌های گذشته بارها مورد اعتراض کشورهای اروپایی هم قرار گرفته اشاره کرد و گفت که واشنگتن آماده ارائه توضیحات به شرکت‌ها برای رفع ابهامات در این باره است. یعنی واشنگتن پس از امضای توافقی که در آن شروط بسیاری برای ایران مطرح شده بود، با حیله گری مسیر استفاده ایران را از سیستم بانکی بسیار دشوار کرده است.

ماجرای FATF و تروریسم بد و خوب!

رئیس بانک مرکزی در ادامه این مصاحبه پیرامون FATF (اتحادیه مبارزه با پولشویی) گفته است: « اجرای مقررات ذی‌ربط در بعد داخلی ریسک شهرت و قانونی مؤسسات اعتباری را کنترل و مدیریت می‌کند و سبب می‌شود راه‌های نفوذ مجرمان در آنها به نحو مقتضی پوشش داده شود و نظام بانکی برای پولشویان و تأمین‌کنندگان مالی تروریسم ناامن شود.»

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

قبر

گفت: وزیر خارجه مصر در پاسخ به سوال یک دانش‌آموز گفته است «بمباران و قتل عام کودکان غزه را نمی‌توان عملیات تروریستی دانست»!

گفتم: از حکومت کودتایی و آمریکایی مصر که در نوکری برای اسرائیل از آل سعود سبقت گرفته غیر از این چه انتظاری هست؟!

گفت: اظهارات او اعتراض شدید و گسترده مردم فلسطین و مردم مصر را به دنبال داشته و خواستار برکناری وی شده‌اند.

گفتم: چرا برکناری؟ مردم مصر باید خودشان همت کنند و رژیم آمریکایی- اسرائیلی حاکم بر کشورشان را به زباله‌دان بفرستند.

گفت: ژنرال السیسی گفته است؛ مردم مصر حاکمیت را فرزند خود می‌دانند و به آن علاقه و اعتقاد دارند!

گفتم: یارو که به انواع خلافکاری‌ها و فسادها آلوده بود به دوستش می‌گفت؛ پدرم خیلی به من علاقه دارد و اگر یک ساعت دیر به خانه بروم، بعید نیست از غصه دق کند! در همین حال به در خانه رسیدند، یکی از همسایه‌ها تا او را دید، با فریاد به پدرش گفت؛ آقا بهرام! قبر نخر!... لامصب زنده است!

هشدار موسسه آمریکایی فوربس به بوئینگ درباره فروش هواپیما به ایران

موسسه آمریکایی فوربس درباره فروش هواپیما به ایران هشدار داد و مدعی شد: ایران نیاز به خرید صدها هواپیمای مسافربری ندارد و احتمالا از این هواپیماها برای مقاصد نظامی استفاده خواهد کرد.

موسسه آمریکایی فوربس طی گزارشی به قرارداد ایران و بوئینگ برای خرید بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما پرداخت و تاکید کرد: با آغاز اجرای برجام تحریم‌های هوانوردی علیه ایران لغو شد و به شرکت‌های بزرگ هواپیماسازی اجازه فروش هواپیماهای مسافربری به ایران داده شد.

این موسسه در ادامه گزارش خود با تأکید بر اینکه ایران همچنان بزرگترین دولت حامی تروریست و از سوی دیگر اولین کشور در میان ۱۴۹ کشور جهان از نظر پولشویی است، افزوده است: ایران در حال نقض تحریم‌های هوانوردی و انتقال تسلیحات و نیروهای نظامی به سوریه است. تهران خواستار خرید ۵۰۰ فروند هواپیما طی ۱۰ سال آینده است که خرید ۱۱۸ فروند ایرباس، ۴۰ فروند ای‌تی‌آ، بیش از ۱۰۰ فروند بوئینگ و مذاکرات با شرکت بمباردیر کانادا و امبرائر برزیل است.

فوربس با بیان اینکه علی‌رغم مخالفت کنگره آمریکا، ایران با امید به حمایت دولت اوباما، پیش‌بینی می‌کند که قرارداد با بوئینگ موفقیت‌آمیز باشد، نوشت: در صورتی که بوئینگ با دقت بیشتری به این قرارداد نگاه کند به مخاطرات موجود در آن دست خواهد یافت. مشکلی که در خرید هواپیما از سوی ایران وجود دارد این است که تعداد هواپیمایی که شرکت ایران ایر نیاز دارد، به صدها فروند هواپیما می‌رسد.

سپس موسسه آمریکایی این گونه نتیجه می‌گیرد: این احتمال وجود دارد که ایران ایر، این هواپیماها را خریداری کرده و در اختیار دیگر شرکت‌های هواپیمایی ایران که تعدادی از آنها همچنان تحت تحریم آمریکا قرار دارند (مانند ماهان ایر) بگذارد.

فوربس تاکید کرد: از سال ۲۰۱۱ تاکنون ماهان‌ایر به صورت هفتگی و اخیراً به صورت روزانه پروازهایی را به سوریه داشته است و تجهیزات نظامی را برای دشمنان آمریکا نظیر ارتش سوریه و حزب الله منتقل می‌کند و هواپیماهای جدید خریداری شده دیر یا زود برای این منظور مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

به گزارش فارس، از سوی دیگر فوربس حتی مدعی است که شرکت ایران ایر نیز با شماره پرواز تهران- دمشق تجهیزات نظامی را از فرودگاه آبادان به سوریه منتقل می‌کند.

در پایان فوربس ایران را مسئول بحران سوریه معرفی کرده و اعلام می‌کند: هواپیماهای مسافربری ایران نقش مهمی را در تجهیز ارتش سوریه و کمک‌های نظامی به این کشور ایفا کرده و به همین دلیل شرکت بوئینگ باید نسبت به فروش هواپیما به ایران تجدیدنظر کند.

خبر ویژه

فشار فتنه‌گران بر روحانی شدت گرفت

یکی از سران فتنه در ملاقات با روحانی از موضع بالا با وی صحبت کرده و معترض او شده است.

حسن رسولی عضو شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان به روزنامه آرمان گفت: پس از اینکه حامیان آقای روحانی که در انتخابات مجلس با اصلاح‌طلبان ائتلاف کرده بودند به عهد خود وفا نکردند، گفت‌وگویی بین رئیس دولت اصلاحات و آقای روحانی انجام شده است. در این گفت‌وگو رئیس دولت اصلاحات گلایه خود و اصلاح‌طلبان را از این مسئله به آقای روحانی منتقل کرده است. نکته مهم درباره بدعهدی حامیان آقای روحانی کج‌رفتاری برخی از وزرای دولت برخلاف جهت‌گیری این ائتلاف بوده است. به هر حال ما باید بپذیریم که بدعهدی برخی افراد در این ائتلاف سبب از دست رفتن برخی از ارکان مهم مجلس دهم برای اصلاح‌طلبان شده است. گویا در این جلسه آقای روحانی این گلایه را پذیرفته‌اند و عنوان کرده‌اند به این وزرا تذکر خواهند داد. بر اساس پیگیری‌های ما گویا ایشان به این وزرا تذکر نیز داده‌اند و از آنها خواسته‌اند همکاری بیشتری با اصلاح‌طلبان داشته باشند. ما از عدم انسجام در دولت گلایه داریم.

هنگامی که رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه کشور در مقابل فراکسیون امید به عنوان فراکسیون حامی دولت یک موضع می‌گیرد، برخی از وزرا و افراد کابینه نباید موضع‌دیگری بگیرند و باعث دو دستگی در مواضع دولت شوند. به نظر من این یک نقطه ضعف بزرگ برای دولت آقای روحانی است. ما در بیان انتقادات نسبت به دولت آقای روحانی به هیچ عنوان دچار «خودسانسوری» و «لکنت‌زبان» نخواهیم شد.

اشاره رسولی به حمایت دولتی‌ها از لاریجانی مقابل عارف در جریان انتخابات ریاست مجلس است.

قبول ملاقات با خاتمی از سوی روحانی، در حالی است که خاتمی از عوامل اصلی خیانت سال ۸۸ مدعیان اصلاح‌طلبی به نظام و دعوت به اغتشاش در کف خیابان بوده و این اتفاق در حالی رخ داد که خاتمی در محافل خصوصی بارها اعتراف کرده که در انتخابات سال ۸۸ تقلبی رخ نداده بود؛ در واقع بر اساس یک دروغ بزرگ و با علم به دروغ بودن ادعای تقلب، مردم را به تقابل با نظام کشاندند و مقدمات اجرای پروژه آمریکایی - صهیونیستی آشوب را فراهم کردند.

حسن رسولی همچنین ادعا کرده که خاتمی تاکنون چند بار با روحانی ملاقات داشته است. پیش از این هم عبدالله ناصری با اشاره به ملاقات موسوی خوئینی‌ها با روحانی، گفته بود به روحانی هشدار دادیم که پایگاه رای مستقلی ندارد و بدون رای اصلاح‌طلبان نمی‌تواند مجددا در سال ۹۶ رئیس‌جمهور شود.

رسولی در ادامه مصاحبه با آرمان تصریح کرده است: حمایت اصلاح‌طلبان از آقای روحانی در سال ۹۶ «حمایت منتقدانه» خواهد بود. بدون شک این حمایت به معنای «وادادگی» و انفعال نیست.

وی در پاسخ این پرسش که آیا جریان اصلاحات برای انتخابات ریاست‌جمهوری به جز آقای روحانی کاندیدا معرفی خواهد کرد؟ گفت: جریان اصلاحات در «طول»(!) آقای روحانی کاندیدا معرفی خواهد کرد و نه در «عرض» ایشان.

اگر جریان اصلاحات در عرض آقای روحانی کاندیدا معرفی کند حدود ۵۰ درصد از پایگاه جریان اصلاحات به سمت دیگری کشیده می‌شوند و این دو دستگی در نهایت به سود رقبای سیاسی اصلاح‌طلبان و آقای روحانی تمام خواهد شد. به همین دلیل به هیچ عنوان در عرض ایشان کاندیدا معرفی نخواهیم کرد.

حقوق‌های نجومی را با کدام قانون دادید که می‌گویید غیرقانونی نبود؟!

اظهارات سخنگوی دولت درباره «نامتعارف» خواندن حقوق‌های نامشروع نجومی، موضع انحرافی در موضوع غارت بیت‌المال و پرداخت‌های غیرقانونی است.

محمدکاظم انبارلویی درباره سخنان اخیر نوبخت مبنی بر اینکه درباره حقوق‌های نجومی «هیچ‌کس به قوه قضائیه نرفت چرا که حقوق‌ها غیرمتعارف بود، اما غیرقانونی نبود و همه مدیرانی که استعفا کردند، از ذخایر کشورند» نوشت: اصل ۵۳ قانون اساسی می‌گوید؛ کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود. همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

از این اصل این‌گونه برمی‌آید که آنچه به عنوان بیت‌المال امروز گفته می‌شود همان «خزانه‌داری کل» است. اگر پرداختی می‌خواهد صورت گیرد باید به موجب قانون باشد.

ما دو قانون داریم که می‌تواند مبنای پرداخت‌های حقوق‌های قانونی باشد: ۱- قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰. ۲- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶. پس ما در پدیده حقوق‌های نجومی با پرداخت‌های غیرقانونی روبه‌رو هستیم، نه پرداخت های متعارف و غیرمتعارف. وقتی نام این پدیده را متعارف و غیرمتعارف گذاشتیم عملا دستگاه نظارتی و قضایی را از ورود به آن منع کرده و گفته‌ایم صبر کنید خودمان آن را حل می‌کنیم!

سردبیر روزنامه رسالت می‌افزاید: هیچ یک از مواد، تبصره‌ها و بندهای دو قانون یاد شده اجازه نمی‌دهد برای صاحب‌منصبان دولت بیش از ۱۰ میلیون تومان حقوق و مزایا و پاداش پرداخت شود چرا که حداقل و حداکثر حقوق مشخص است و نمی‌تواند حداکثر حقوق بیش از ۷ برابر حداقل باشد.

کافی است آقای نوبخت به بازخوانی ماده ۸۴ قانون الحاق دو بپردازد که می‌گوید؛ «حقوق و مزایای دریافتی مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های دولتی و غیردولتی وابسته به نهادهای عمومی نباید از ۱۰ برابر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار بیشتر باشد.»

آقای نوبخت لابد می‌داند دریافتی فقط یک ساله یک عضو هیئت‌مدیره یک بانک وابسته به نهاد عمومی غیردولتی زیر نظر وزیر محترم کار بیش از ۶۰۰ میلیون تومان است. آیا ۶۰۰ میلیون تومان، ده برابر حداقل حقوق مصوب شورای عالی کار است؟

آقای نوبخت می‌گوید؛ حقوق‌ها غیرمتعارف بود اما غیرقانونی نبود. کافی است ایشان یک ماده قانونی از دو قانون یاد شده در مورد مبنای پرداخت‌ها ذکر کنند و مسئله حقوق فیش‌های نجومی را حل کنند، اما ایشان دستشان از این بابت خالی است.

چه کسی دستور پرداخت‌های غیرقانونی و به قول آقای نوبخت غیرمتعارف را صادر کرده است؟ چون پرداخت‌ها باید به موجب قانون باشد. غیر از قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب سال ۷۰ و قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ چه قانونی این وسط مطرح بوده که پرداخت‌ها براساس آن صورت گرفته است؟! آیا غیر از مجلس نهاد دیگری از قانون‌گذاری داریم که به این پرداخت‌ها مشروعیت بخشیده باشد؟ طبیعی است قانون دیگری وجود ندارد.

رئیس‌جمهور به مناسبت روز پزشک در مورد لزوم احترام به قانون در خصوص برگزاری کنسرت‌ها گفته است: «در کشورمان فقط یک مجلس شورای اسلامی به عنوان مجلس قانونگذاری وجود دارد و هر کس که تریبون در اختیار می‌گیرد نمی‌تواند قانونگذاری کند». این حرف درستی است اما آیا رئیس‌جمهور می‌تواند بگوید حقوق‌های نامتعارف و نجومی - بخوانید غیرقانونی - به موجب کدام قانون مصوب مجلس پرداخت می‌شده است؟! برخی متهمین حقوق‌های نجومی در دفاع از خود در نهادهای نظارتی از یک دستورالعمل محرمانه از سوی مقامات دولتی یاد می‌کنند. آیا دستورالعمل محرمانه می‌تواند دو قانون معتبر نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب مجلس را ملغی اثر نماید؟

فقط کنسرت‌ها نیست که باید مطابق قانون برگزار شود. حقوق و دستمزد، آن هم از خزانه خالی باید وفق اصل ۵۳ قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس، مطابق قانون باشد.

انبارلویی در ادامه خاطر نشان کرد: مجلس باید بداند جز نمایندگان چه کسی برای کشور قانون وضع می‌کند و بعد هم آن را عملیاتی می‌کند و میلیاردها تومان به ناحق از بیت‌المال به جیب کسانی می‌رود که مستحق آن نیستند؟ متاسفانه دیوان محاسبات مثل همیشه ساکت است و خود را وارد این دعواها نمی‌کند، تاکنون حتی یک رای بدوی یا قطعی در محکومیت مدیرانی که حقوق‌های نجومی دریافت کردند از سوی این نهاد نظارتی دیده نمی‌شود. دیوان در مفسده کرسنت و استات اویل وارد نشد و در این موضوع هم به طور اصولی وارد نمی‌شود.

سازمان حسابرسی وارد این معرکه نمی‌شود. دیوان محاسبات برخلاف همه وظایف قانونی خود حتی حاضر نیست براساس گزارش حسابرس خود که تخلف را در اواخر سال ۹۲ در همین دولت احراز کرده، دادخواستی صادر نموده و آن را در فرایند رسیدگی قانونی قرار دهد. قوه قضائیه هم چون پرونده‌ای به دستش نرسیده اصل موضوع پرداخت‌های غیرقانونی را به فراموشی می‌سپارد. آیا قرار است ماجرا همین جا ختم شود؟

دولت اصلاحات به فقرا توجه نداشت اصلاح‌طلبان چوبش را سال ۸۴ خوردند

عضو حزب منحله مشارکت گفت دولت اصلاحات از ۱۰ میلیون فقیر غافل بود و توجهی به آنها نداشت.

حمیدرضا جلایی‌پور در جمع شاخه جوانان حزب اعتدال و توسعه، با اشاره به شکست پرسروصدای مدعیان اصلاح‌طلبی در سال ۸۴ و ریشه‌یابی آن گفته است: بعد از دولت خاتمی کسی توجه نکرده بود که ۱۰ میلیون فقیر وجود دارد. تمام کاندیداها به فکر خود بودند و اشتباه بزرگی رخ داد.

وی این را هم گفته که «دولت هاشمی» به توسعه و سازندگی پرداخت که لازمه آن رویا بود، به این امید که توسعه سیاسی به دنبال توسعه اقتصادی حادث شود. اما دولت بعد از خاتمی به توسعه سیاسی اعتقاد نداشت.

اعتراض عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به تعلل در برخورد با مدیران نجومی

جلسه سه‌شنبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت از جمله محمدباقر نوبخت با حاشیه‌هایی درباره عملکرد دولت در برخورد با حقوق‌های نجومی همراه شد.

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با مشرق با بیان اینکه در ابتدای جلسه شورا دکترکچویان نسبت به عملکرد دولت در زمینه فیش‌های نجومی انتقاد کرد و گفت: در ابتدای جلسه دیشب حسین کچویان مطالبی را مطرح کرد که مطلب اصلی آن همین موضوع فیش‌های نجومی بود. وی با استناد به سخنان مقام معظم رهبری که حقوق‌های نجومی را هجوم به ارزشها دانستند و آن را خیانت توصیف کردند گفت: رئیس‌جمهور در این زمینه بیانیه‌ای صادر کرده که بیانیه همراستا و خوبی بود منتها از این طرف دیده می‌شود که کاری انجام نمی‌شود و وزراء یک چیزی می‌گویند و آقای معاون رئیس‌جمهور چیز دیگر و آقای سخنگو هم در تناقض اینها حرف می‌زند و خلاصه بفرمایید تکلیف این موضوع چیست و بالاخره دولت قبول دارد که این خلاف بوده و چرا کاری در این زمینه صورت نمی‌گیرد و بالاخره چه کاری می‌خواهید انجام بدهید و چه جوابی به مردم می‌خواهید بدهید؟

پس از این اظهارات کچویان، حسن رحیم‌پور ازغدی نیز در نطق پیش از دستور خود موضوع رسیدگی به فیش‌های نجومی را مهم خواند و بیان داشت که فیش‌های نجومی تاثیر زیادی بر اعتماد عمومی گذاشته است و رهبر معظم انقلاب نیز نسبت به این موضوع حساسیت نشان دادند که اقدامات لازم برای مقابله با آن باید صورت گیرد.

این سخنان سبب شد تا سخنگوی دولت درصدد توجیه برآید. نوبخت در پاسخ به انتقادات مطرح شده درباره عملکرد دولت و سخنان تمجیدآمیز خود درخصوص یکی از مدیران نجومی بیان داشت: بنده گفته‌ام که در این صندوق که در آن پول و امانت مردم است و شمایی که اینجا هستید امانتدار نظامید. از طرف دیگر نیز گفته‌ام که همه مدیران ما به سبب سرمایه‌های انسانی ذخیره‌های نظام هستند و نگفته‌ام که این آقایان ذخیره‌های نظام هستند.

این سخنان البته خلاف گفته‌های پیشین نوبخت است و سخنگوی دولت در تریبون عمومی اعلام کند که صفدرحسینی و مدیران نجومی دیگر سارق بیت‌المال هستند و با آنان برخورد کند.

در ادامه جلسه، عضو شورای انقلاب فرهنگی بیان داشت مسئله اصلی این است که دولت چه اقداماتی در مقابله با این موضوع می‌خواهد انجام دهد؟ چرا با موضوع برخورد نمی‌کنید و برای مدیران نجومی تودیع و معارفه می‌گذارید که به معنای تقدیر و تشکر از مدیران پیشین و استقبال و خوش‌آمدگویی به مدیران جدید است و به این معناست که با تمجید و تکریم مدیر پیشین را بدرقه می‌کنیم. در صورتی که مطابق قانون هر کسی که این برداشت‌ها را انجام داده باید دو برابر این موارد را به خزانه دولت بازگرداند.

با طرح این صحبت‌ها، روحانی گفت: مسئله فیش‌های نامتعارف تنها مسئله ما نیست و دیگر قوا در این مسئله دخیل هستند؛ البته ما صلاح نمی‌دانیم آنها را افشا کنیم